

آثار گناه در زندگی دنیوی و آخروی انسان

زهرا صابرنوچمنی^۱

چکیده :

گناه : عملی است که با اراده و رضایت الهی در تضاد بوده، با ایجاد نوعی "تاریکی" معنوی در نفس انسان، آدمی را از خدای متعال که "نور" آسمانها و زمین است، دور می‌سازد و به عبارت دیگر، موجب بازماندن وی از کمال و قرب به خدا می‌گردد.

تعیین این که چه چیزی گناه است و چه چیزی ثواب از طریق کتاب و سنت مقدور است، زیرا در بسیاری از موارد، گناه بودن عملی قابل تشخیص عقلانی نیست و خدای متعال است که این موارد را به اقتضای علم و حکمت مطلق خود، از طریق وحی و دین، برای بشر بیان نموده است .

عالمان اسلامی گناهان را بر دوگونه تقسیم نموده‌اند: گناهان کبیره (بزرگ) و گناهان صغیره این تقسیم‌بندی از قرآن و روایات سرچشمه گرفته است.

کلیدواژه: گناه، دنیا، آخرت

۱. زهرا صابرنوچمنی سطح ۲، مدرسه علمیه حضرت صدیقه فاطمه سلام الله علیها، استاد خانم گرزین، سال ۱۳۹۸.

مقدمه :

امام علی (علیه السلام) در گفتاری فرمود:

گناهان بر سه گونه‌اند:

گناه بخشودنی و گناه نابخشودنی و گناهی که برای صاحبش، هم امید بخشش داریم و هم ترس از کیفر.

سپس فرمود:

اما گناهی که بخشیده است، گناه بنده‌ای است که خداوند او را در دنیا کیفر می‌کند و در آخرت کیفر ندارد.

در این صورت خداوند حکیم‌تر و بزرگوارتر از آن است که بنده‌اش را دو بار کیفر کند.

اما گناهی که نابخشودنی است، حق الناس است یعنی ظلم بندگان نسبت به همدیگر که بدون رضایت مظلوم بخشیده نمی‌شود.

و اما نوع سوم:

گناهی است که خداوند آن را بر بنده‌اش پوشانده، توبه را نصیب او نموده است، و در نتیجه آن بنده هم از گناهش هراسان است و هم امید به آمرزش پروردگارش دارد

ما نیز درباره چنین بنده‌ای، هم امیدواریم و هم ترسان.

ملاک کبیره بودن گناه

در کتاب تحریر الوسیله^۱ امام خمینی (قدس سره) پیرامون معیار گناهان کبیره، چنین آمده است

- ۱- گناهایی که در مورد آنها در قرآن یا روایات اسلامی وعده آتش دوزخ، داده شده باشد.
- ۲- از طرف شرع، به شدت، از آن نهی شده است.
- ۳- دلایلی وجود دارد که معلوم می شود آن گناه، بزرگ تر از بعضی از گناهان کبیره است.
- ۴- عقل، حکم کند که فلان گناه، کبیره است.
- ۵- در ذهن مسلمین پای بند به دستورات الهی، چنین تثبیت شده که فلان گناه، از گناهان بزرگ است.
- ۶- از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امامان (علیهم السلام) در خصوص گناهی تصریح شده که از گناهان کبیره است.

برخی از فقها تعزیر را نشانه کبیره بودن گناه می دانند که در این صورت استمنا نیز از گناهان کبیره محسوب خواهد شد، زیرا در روایتی آمده است که امام علی (علیه السلام) با زدن روی دست، شخص مستمنی را تعزیر فرمودند.

البته گناهان کبیره نیز همه در یک سطح نیستند. بعضی بدون توبه بخشیده نمی شوند، مانند «شرک» و «قتل نفس» و برخی بدون توبه و تحت شرایطی و در اثر انجام کارهای نیک ممکن است مشمول مغفرت گردند.

۱. روح الله خمینی تحریر الوسیله ج ۱ ، بی جا ، بی تا ، ص ۲۷۴ تا ۲۷۵

گناهان کبیره در نظر دانشمندان

در این که کدام گناهان بزرگ و کبیره و کدام کوچک و صغیره است، در میان دانشمندان گفتگوی بسیاری است. بعضی این دو را از امور نسبی می‌دانند که به هنگام مقایسه، آن که اهمیتش بیشتر است کبیره و آن که کمتر است صغیره می‌باشد (مرحوم طبرسی ۱ در مجمع البیان این عقیده را به دانشمندان شیعه نسبت داده است و ظاهراً منظور او بعضی از دانشمندان شیعه است، زیرا بسیاری از آن‌ها عقیده دیگری دارند که به آن اشاره خواهد شد).

جمعی دیگر می‌گویند:

گناه کبیره آن گونه که از نامش پیداست گناهی است که واقعاً بزرگ و از نظر شرع و عقل دارای اهمیت است مانند قتل نفس و غصب حقوق دیگران و رباخواری و زنا و شاید به همین دلیل در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) معیارش وعده عذاب الهی نسبت به آن شمرده شده است.

در حدیث معروفی که از امام باقر و امام صادق و امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل شده است می‌خوانیم: «الْكَبَائِرُ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهَا النَّارَ؛ ۲»

گناهان کبیره آن‌هاست که خداوند متعال آتش دوزخ را (صریحاً) برای آن واجب شمرده است.»

و بنابراین گناهان صغیره آن است که از چنین اهمیت خاصی برخوردار نیست.

در بعضی از احادیث نیز تعداد گناهان کبیره هفت، و در بعضی بیست گناه و در بعضی هفتاد، ذکر شده است که این تعبیرات ممکن است اشاره به سلسله مراتب این گناهان باشد.

۱. ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ناصر خسرو، بیجا، بیتا، ص ۶۱

۲. تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۴۰

سرچشمه تقسیم گناهان

فقه‌ای ما می‌گویند: هر گناه - خواه کبیره باشد خواه صغیره - از آن‌جا که مخالفت با فرمان خداوند است در حدّ ذات خود گناه بزرگ است.

ولی مقیاس کوچک و بزرگ بودن گناه این نیست که گناه و نافرمانی را نسبت به ساحت مقدّس خداوند بسنجیم؛ زیرا روی این سنجش، همه آن‌ها کبیره است؛ بلکه این تقسیم از نظر سنجش یک دسته گناه نسبت به دسته دیگر است.

در این سنجش عموم گناهان دو قسمند: یک دسته، گناهان کبیره و دسته دوم گناهان صغیره .

اکنون باید دید میزان در شناسایی کبیره از صغیره چیست؟

برخی از دانشمندان قید دیگری افزوده‌اند و می‌گویند:

گناه کبیره، گناهی است که برای ارتکاب آن وعده عذاب داده شود و یا لاقلاً اکیداً از آن نهی شده باشد؛ چه بسا گناهانی داریم که در آیات قرآن مجید در برابر ارتکاب آن وعده عذاب داده نشود، اما به‌طور اکید و یا با نهی‌های مکرر از ارتکاب آن جلوگیری به عمل آمده است.

اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد!« همین جمله به تنهایی نشانه کبیره بودن رباخواری بود؛ و اگر در آیات و روایات دیگر وعده عذاب به رباخواران داده نمی‌شد، همین نهی اکید و جلوگیری شدید از آن، نشانه بزرگ بودن گناه «رباخواری» محسوب می‌گردید،

روی این حساب ، بزرگ و کوچک بودن گناهان یک امر «نسبی» نیست؛ بلکه این دو دسته هرکدام مرز جداگانه‌ای دارد و هرگز یک گناه نمی‌تواند هم صغیره و هم کبیره باشد، زیرا اگر در ارتکاب آن وعده عذاب داده شده و یا نهی اکید از آن شده است، آن گناه کبیره است و در غیر این صورت صغیره خواهد بود.

۱۰. ترس از حکام و زمامداران

امام صادق علیه السلام می فرمایند:
إِنْ أَحَدُكُمْ لِيَكْثُرَ بِهِ الْخَوْفُ مِنَ السُّلْطَانِ وَ مَا ذَلِكَ إِلَّا بِالدُّنُوبِ فَتَوَقَّوْا مَا اسْتَطَعْتُمْ^۱
همانا شخصی از شما بسیار از حاکم و زمامدار می ترسد و این ترس نیست مگر بر اثر گناهان پس تا می
توانید از گناهان بپرهیزید.

آثار اخروی گناهان

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم، عذاب دوزخ را به عنوان یکی از پیامدهای گناهان معرفی کرده
است. در سوره نمل آمده است:

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^۲

آنان که اعمال بدی انجام دهند به رو در آتش افکنده می شوند آیا جزایی جز آن چه عمل می کردید خواهید
داشت و در جای دیگر می فرماید:

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا^۳

و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست، جاودانه در آن می ماند.»

در روایات ما علاوه بر اصل عذاب اخروی شخص گناهکار به پیامدهای دیگر گناهان اشاره شده است که برخی از
آنها را ذکر می کنیم:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، دفتر مطالعات تاریخ و معارف، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۷۵.

۲. نمل ۲۷، آیه ۹۰.

۳. جن ۷۲، آیه ۲۳.

۱. نابودی اعمال نیک

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «جدوا و اجتهدوا و إن لم تعلموا فلا تعصوا فإن من یبني و لا یهدم یرتفع بنیانه و إن کان یسیرا و من نبی و یهدم یوشک إن لا یرتفع بنائه»^۱
تلاش و کوشش کنید [در عمل صالح] و اگر عمل [صالح] نمی کنید گناه نکنید، زیرا کسی که بنا را می سازد و خرابش نمی کند ساختمان او هر چند اندک بالا می رود و کسی که بنا را می سازد و خراب می کند بنایی ندارد.
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که سبحان الله بگوید خداوند در بهشت درختی برای او می کارد مردی برخاست و عرض کرد: پس ما درختان زیادی در بهشت داریم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری ولی مبادا که آتشی به سوی آنها روانه کنید و همه را بسوزانید»^۲

۲. پذیرفته نشدن اعمال نیک

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند: «و لو صلیتم حتی تکنوا کاللاتاد و صمتم حتی تکنوا کالحنایا لم یقبل الله منکم إلا بورعٍ حازر»^۳
اگر آن قدر نماز گزارید که چون میخ های کوبیده بر زمین شوید و آن قدر روزه بگیرید که چون چوب های تراشیده ضعیف گردید خدا از شما نمی پذیرد مگر با ورع بازدارنده از گناه.»

۳. محرومیت از آمرزش

خداوند بخشاینده گناهان است. بنده ای که پس از گناهان استغفار کند آمرزیده می شود ولی اگر بر گناه خود اصرار کند از آمرزش خدا محروم می شود از این روست که امام صادق علیه السلام می فرمایند: «مَنْ هَمَّ بِسِيئَةٍ فَلَا يَعْمَلُهَا فَإِنَّهُ رَبَّمَا عَمِلَ الْعَبْدُ السَّيِّئَةَ فَيُرَاهُ الرَّبُّ فَيَقُولُ «و عزتي و جلالی لا أغفرلک بعد ذلک ابد»^۴ کسی که آهنگ گناهی کرد باید از آن خودداری کند زیرا بسا که بنده گناهی کند و پروردگار او را ببیند و بگوید: قسم به شکوه و جلالم که پس از این دیگر تو را نیامرزم.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، بی جا، بی تا، ص ۲۸۶.

۲. محمدابن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، بی تا، بی جا، ص ۱۸۶.

۳. ابن فهد حلی، عدّه الداعی و نجاح الساعی، ص ۳۰۳، انتشارات دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، دفتر مطالعات تاریخ و معارف، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۷۲.

عواقب خاص دنیوی و اخروی بسیاری از گناهان در روایات معصومان بیان شده است که از حوصله این نوشتار خارج است و لذا از پرداختن به آنها صرف نظر می کنیم و تنها برای حسن ختام حدیثی از امام سجاد علیه السلام در این باره را نقل می کنیم:

گناهایی که نعمت ها را تغییر می دهند: تجاوز به حقوق مردم، کناره گرفتن از عادت خیر، از بین رفتن نیکی به مردم، کفران نعمت، ترک شکر.

گناهایی که موجب ندامت و حسرت است: قتل نفس، ترک صله رحم، وا گذاشتن نماز تا از دست رفتن وقت، ترک وصیت، باز نگرداندن حقوق مالی مردم، منع زکات تا رسیدن مرگ و لال شدن زبان.

گناهایی که باعث زوال نعمت است: عصیان عارف به ستم، تعدی به مردم، استهزاء افراد، خوار نمودن انسان ها. برخی سستی ها که نعمت ها را دفع می کند و نمی گذارد به انسان برسد: اظهار احتیاج، خواب ثلث اول شب، خواب صبح تا از دست رفتن نماز، خواب صبح تا ضایع شدن نماز، کوچک شمردن نعمت، شکایت از حضرت حق.

گناهایی که باعث پرده دری است: شرابخواری، قماربازی، دلقک بازی، کار لغو، شوخی، گفتن عیوب مردم، همنشینی با می خواران.

گناهایی که سبب نزول بلا و حادثه است: نرسیدن به داد اندوهگین، ترک یاری ستمدیده، ضایع کردن امر به معروف و نهی از منکر.

گناهایی که موجب پیروزی دشمنان است: ظلم آشکار، اظهار معاصی، مباح شمردن حرام، سرپیچی از خوبان، اطاعت از بدکاران.

گناهایی که باعث مرگ زودرس است: قطع رحم، سوگند دروغ، گفتار کذب، زنا، بستن راه مسلمین، ادعای امامت به ناحق.

گناهایی که سبب قطع امید است: یأس از رحمت، ناامیدی شدید از لطف خدا، تکیه بر غیر حق، تکذیب وعده الهی.

گناهایی که علت برداشته شدن پرده حرمت است: وام گرفتن به نیت پس ندادن، اسراف در خرج، بخل بر زن و فرزند و ارحام، بداخلاقی، کم صبری، به کارگرفتن بی حوصلگی، خود را به تنبلی زدن، سبک شمردن اهل دین.

گناهایی که موجب رد شدن دعا است: نیت بد، زشتی باطن، دورویی با برادران دینی، باور نداشتن به اجابت دعا، به تأخیر انداختن نماز تا از بین رفتن وقت، ترک تقرب به حق با روی گرداندن از کار خیر و صدقه، ناسزا گفتن و فحش در کلام.

نتیجه

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

ای پیامبر از قول من به بندگانم بگو : ای بندگان من که در جنایت به خویش (به واسطه گناه) از حد گذشتید

از رحمت خدا نومید نگردید بی تردید خداوند همه ی گناهان را (به وسیله توبه هرچند شرک) می آمرزد.

خداوند مهربان بندگان خویش را دوست می دارد و به آنان عشق می ورزد همانگونه که رسول خدا فرمودند اذا احب الله عبدا عشقه و عشق علیه فيقول : عبدی انت عاشقی و محبی و انا عاشق لك و محب لك ان اردت او لم ترد.

و هنوز هم راهی برای بازگشت است ، کافیت دستانت را به سوی آسمان بلند کنی و از ته دل خدا را صدا زنی

یا رب اغفر لی الذنوب الی تحبس الدعاء ...

بیا و بسویش بازگرد ...

بازگشتی که بوی خدا بدهد ...

بوی بندگی

و خدای من از من به خودم نزدیکتر و برایم از پدر مهربان تر و از مادر دلسوز تر است

و او ...

غفار الذنوب است .

پایان

منابع و ماخذ :

قرآن

نهج البلاغه

۱-آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، ص ۱۸۶، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۶.

- ۲- بابویه محمد بن علی بن (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۱، بی جا، بی تا،
- ۳- حلی، ابن فهد، عدة الداعی و نجاح الساعی، انتشارات دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷.
- ۴- حر عاملی، محمدابن حسن (شیخ حرعاملی)، وسائل الشیعه،
- ۵- خمینی روح الله تحریرالوسیله ج ۱، بی جا، بی تا
- ۶- حر عاملی محمدابن حسن، وسائل الشیعه، ج ۷، بی تا، بی جا،
- ۷- سیدرضی (ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی)، نهج البلاغه، قم، بی تا، دارالهجره.
- ۸- شیخ طوسی (محمد بن حسن بن علی بن حسن)، الامالی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴.
- ۹- شیخ مفید (محمد ابن محمدابن نعمان)، الاختصاص، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم: چ اول، ۱۴۱۳
- ۱۰- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ناصر خسرو، بی جا، بی تا.
- ۱۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، دفتر مطالعات تاریخ و معارف، تهران، ۱۳۷۹
- ۱۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۴.
- ۱۳- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، دارالحديث، بی جا، بی تا.
- ۱۴- همدانی، عین القضاة، تمهیدات، بی جا، بی تا.